



## The Role of Educational Factors in Preventing Student Delinquency

Amin Amirian Farsani<sup>1</sup>

### Abstract

**Field and Aims:** Student delinquency, particularly among adolescents, is a global concern and is influenced by educational factors. Consequently, non-punitive prevention has emerged as an effective approach. Based on this, the central question arises: How do educational factors contribute to the prevention of student delinquency?

**Method:** This study was conducted using a descriptive-analytical approach.

**Findings and Conclusions:** Educational factors play a decisive role in preventing adolescent delinquency. Families with authoritative parenting styles and close, supportive relationships significantly reduce the tendency toward risky behaviors. Peer influence, particularly within sports and academic groups, has also demonstrated notable protective effects against delinquency. Schools that implement life skills programs and provide supportive environments have achieved considerable success in reducing risky behaviors. In the media domain, educational content and positive behavioral role models have had a substantial impact on prevention, whereas exposure to violent content has shown adverse effects. These findings underscore the necessity of an integrated approach that simultaneously strengthens the family institution, guides peer group interactions, enhances educational environments, and manages media content. Such comprehensive programs can significantly prevent the occurrence of delinquent behaviors among students.

**Keyword:** Developmental prevention, educational factors, student delinquency.

\* Citation (APA): Amirian Farsani, A. (2025). The Role of Educational Factors in Preventing Student Delinquency. *Applied criminology research*, 3(9), 153-168. [https://www.qacr.ir/article\\_728568.html?lang=en](https://www.qacr.ir/article_728568.html?lang=en)

1. Assistant Professor, Department of Law, University of Gonbad, Gonabad, Iran.  
Email: amirian\_farsani@gonabad.ac.ir



## نقش عوامل تربیتی در پیشگیری از بزهکاری دانش‌آموزان

امین امیریان فارسانی<sup>۱</sup>

## چکیده

**زمینه و هدف:** بزهکاری دانش‌آموزان خصوصاً نوجوانان به عنوان معضلی جهانی، تحت تأثیر عوامل تربیتی است که پیشگیری غیرکیفری را به رویکردی مؤثر تبدیل کرده است. بر این اساس این سؤال مطرح است که عوامل تربیتی چگونه در پیشگیری از بزهکاری دانش‌آموزان مؤثر هستند. **روش:** این مقاله به شیوه توصیفی - تحلیلی نگارش یافته است.

**یافته‌ها و نتایج:** عوامل تربیتی نقش تعیین‌کننده‌ای در پیشگیری از بزهکاری نوجوانان دارند. خانواده‌هایی با سبک تربیتی مقتدرانه و روابط صمیمانه، به‌طور معناداری موجب کاهش گرایش به رفتارهای پرخطر می‌شوند. از سوی دیگر، تأثیر همسالان به‌ویژه در گروه‌های ورزشی و علمی، اثرات محافظتی قابل توجهی در برابر بزهکاری نشان داده است. مدارس نیز با اجرای برنامه‌های مهارت‌های زندگی و محیط‌های حمایتی، موفقیت‌های چشمگیری در کاهش رفتارهای پرخطر داشته‌اند. در حوزه رسانه، محتوای آموزشی و الگوهای رفتاری سالم تأثیر بسزایی در پیشگیری داشته‌اند، در حالی که مواجهه با محتوای خشونت‌آمیز اثرات معکوس نشان می‌دهد. این یافته‌ها بر ضرورت رویکردی یکپارچه تأکید دارد که همزمان بر تقویت نهاد خانواده، هدایت گروه همسالان، بهبود محیط‌های آموزشی و مدیریت محتوای رسانه‌ای متمرکز باشد. چنین برنامه‌های جامعی می‌تواند تا حد زیادی از بروز بزهکاری در دانش‌آموزان پیشگیری کند.

**کلیدواژه‌ها:** پیشگیری رشدمدار، عوامل تربیتی، بزهکاری دانش‌آموزان.

\*استناددهی (APA): امیریان فارسانی، امین. (۱۴۰۴). نقش عوامل تربیتی در پیشگیری از بزهکاری دانش‌آموزان. *پژوهش‌های جرم‌شناسی کاربردی*، ۳(۹)، ۱۵۳-۱۶۸.

[https://www.qacr.ir/article\\_728568.html](https://www.qacr.ir/article_728568.html)

۱. استادیار گروه حقوق، مجتمع آموزش عالی گناباد، گناباد، ایران. رایانامه: amirian\_farsani@gonabad.ac.ir

شیوع بالای جرم در میان دانش‌آموزان به‌ویژه نوجوانان یک مسئله جهانی در حوزه سلامت عمومی است که جمعیت‌های مختلف را در طیف گسترده‌ای از بافت‌های فرهنگی و وضعیت‌های اقتصادی - اجتماعی تحت تأثیر قرار می‌دهد. امروزه به‌خوبی ثابت شده است که شروع جرم معمولاً در دوره نوجوانی رخ می‌دهد؛ دورانی که با فشار همسالان و درگیر شدن در جرم در این دوره رشدی، پیامدهای مهمی بر عملکرد فردی، سلامت، رفتار و کیفیت زندگی افراد دارد (آیانو و همکاران<sup>۱</sup>، ۲۰۲۴، ص ۲). دستاوردهای دانش‌های گوناگون مرتبط با جرم‌شناسی و کیفرشناسی و همچنین، بهره‌مندی از تجارب پاسخ‌دهی به بزهکاران نشان داده است که پاسخ‌گذاری و پاسخ‌دهی یکسان به جرائم اطفال و نوجوانان بزهکار ناکارآمد بوده و به پایدار شدن بزهکاری آنان خواهد انجامید (عبداللهی، ۱۴۰۳، ص ۳۷). در سال‌های اخیر، علاقه عمومی و دانشگاهی پایدار به موضوع جرم و سلامت روان افزایش یافته است، با تمرکز ویژه بر رفتارهای ضداجتماعی کودکان و نوجوانان، ابعاد گسترده مسئله بزهکاری نوجوانان واکنش‌های متفاوتی از سوی دولت‌ها و رسانه‌ها در سراسر جهان برانگیخته است. از یک‌سو، خواست‌ها برای بهبود برنامه‌های بازپروری و حمایت از نوجوانان بزهکار مطرح می‌شود و از سوی دیگر، صدای طرفداران رویکردهای سخت‌گیرانه و تنبیهی به گوش می‌رسد (یانگ و همکاران<sup>۲</sup>، ۲۰۱۷، ص ۲۲). این رویکرد دوگانه تصمیم‌گیری پیرامون اینکه از میان شیوه‌های پیشگیرانه کیفری و غیرکیفری کدام‌یک تأثیر بیشتری بر پیشگیری از بزهکاری نوجوانان دارد را با چالش مواجه ساخته است. در این میان شیوه‌های پیشگیری غیرکیفری توانسته به دلیل انعطاف بیشتر و راهکارهای متنوع تأثیرپذیری بیشتری در برداشته باشد.

از این‌رو در این مقاله به بررسی این امر می‌پردازیم که عوامل تربیتی در پیشگیری از جرم چیست و چگونه می‌تواند در پیشگیری از بزهکاری نوجوانان مؤثر باشد؟ مهم‌ترین عوامل تربیتی شامل خانواده، گروه همسالان و رسانه هستند که ذیلاً به مطالعه آنها در ارتباط با پیشگیری از بزهکاری نوجوانان می‌پردازیم.

## ۱. نقش خانواده در پیشگیری از بزهکاری دانش‌آموزان

بزهکاری نوجوانان علاوه بر آنکه امروزه یکی از دشواری‌های این گروه سنی است، خسارت‌ها و صدمه‌هایی هم برای بزه‌دیدگان و جامعه ایجاد می‌کند. از مهم‌ترین نهادهای اجتماعی که نقش اساسی در کنترل و پیشگیری از بزهکاری کودکان و نوجوانان دارد، نهاد خانواده است (مهدوی و نیکزاد، ۱۳۹۱، ص ۹۵). تربیت، به‌ویژه در محیط‌های خانوادگی پایه‌های شناختی و

1. Ayano et al

2. Young et al

اخلاقی افراد را می‌سازد و از این طریق می‌تواند از گرایش به رفتارهای ناهنجار جلوگیری کند. خانواده در ارتباط با تربیت نوجوانان نقش دوگانه دارد و می‌تواند ضمن آنکه موجبات رشد و سلامت نوجوانان را فراهم آورد بالعکس زمینه گرایش به بزهکاری را فراهم آورد.

از منظر جامعه‌شناسی، پدیده بزهکاری جوانان را باید بیماری اجتماعی عمیقی دانست که جامعه را در معرض تهدید قرار داده است. نوجوانان به عنوان آسیب‌پذیرترین قشر جامعه، قربانیان اصلی این بیماری اجتماعی محسوب می‌شوند؛ آنان که گاه در چرخه معیوب فقر و بی‌عدالتی گرفتار آمده‌اند و گاه محصول ساختارهای ناکارآمد خانواده و جامعه شده‌اند (نویسی<sup>۱</sup>، ۲۰۲۲، ص ۲). ایجاد روابط صمیمانه در خانواده کمکی است به اطفال و نوجوانان تا بتوانند مشکلات خود را صادقانه با والدین در میان بگذارند و مجبور نباشند به محیط خارج از خانه پناه ببرند. همچنین تأمین نیازهای مادی و معنوی در اینجا باید مورد توجه قرار گیرد، اگر کودکان در این مورد دچار کمبود باشد به سرکشی و ستیزه‌جویی پناه می‌برد (کلوندی، ۱۴۰۲، ص ۱). خانواده از طریق ایجاد دلبستگی ایمن، تقویت ارزش‌های اخلاقی و نظارت حمایت‌گرانه، می‌تواند حس تعلق و مسئولیت‌پذیری را در نوجوان نهادینه کند. ارتباط گرم و صمیمی میان والدین و فرزند، همراه با راهنمایی‌های غیرتحکمی، به نوجوان کمک می‌کند تا در مواجهه با چالش‌ها، راه‌حل‌های سالم را انتخاب کند. همچنین، الگوسازی مثبت، تعیین حدود مرزهای منطقی و پاسخگویی به نیازهای عاطفی نوجوان، از عواملی است که احتمال گرایش به رفتارهای پرخطر را کاهش می‌دهد (موانگانی<sup>۲</sup>، ۲۰۱۹، ص ۲-۴). نکته دیگری که در مورد خانواده می‌توان به آن پرداخت این است که اقتصاد خانواده تا چه اندازه در پیشگیری نوجوانان به بزهکاری مؤثر است؟ اینکه هر قدر اقتصاد خانواده قوی‌تر باشد می‌تواند شرایط رفاهی، آموزشی، ورزشی و تربیتی بهتری را برای نوجوان فراهم کند تردیدی نیست.

تحقیقاتی که از طرف قسمت اجتماعی و اقتصادی سازمان ملل متحد، در انگلستان در همین زمینه انجام شده است، نشان می‌دهد که در بنادر بزرگی نظیر لیورپول، بریستول، کاردیف و لندن، کارگران بندر که زندگی فقیرانه داشته و در محلات پست و کثیف شهر زندگی می‌کنند، عموماً فرزندشان به ورطه ارتکاب جرم و جنایت سقوط کرده و از هر خانواده یکی دو نفر در دادگاه‌ها اطفال مورد حکم قرار گرفته‌اند. دلیلی که متخصصین امر برای ازدیاد جرایم اطفال و نوجوانان در میان طبقات کارگری سطح پائین اجتماع می‌آورند، این است که معمولاً فرزندان این‌گونه طبقات بر اثر زندگی فقیرانه خود مورد تحقیر دیگران قرار می‌گیرند و هرچه آنها بیشتر مورد تحقیر قرار گیرند، رفتارشان بیشتر غیرعادی و ضداجتماعی می‌شود (صلاحی، ۱۳۵۶، ص ۳۸). موضوع دیگری که در تربیت فرزندان نقش مهمی دارد ارتباط

1. Nevisi  
2. Mwangangi

دوستانه و صمیمی پدر و مادر است. اختلاف و طلاق والدین می‌تواند آثار منفی بر تربیت نوجوانان داشته باشد. البته این امر به معنای آن نیست که طلاق والدین منجر به بزهکاری نوجوانان می‌شود، اما می‌تواند آثار منفی داشته باشد که گرایش به بزهکاری را تقویت کند.

آبراهامسون معتقد است خانواده‌های افراد بزهکار نسبت به خانواده‌های افراد غیربزهکار در شرایط عاطفی نامطلوبی به سر می‌برند که فشار خانواده نامیده می‌شود. این فشار خانواده با خصومت، تنفر، آزرده‌گی، پرخاشگری و آشفتگی‌های عصبی به وجود آمده و حفظ شده هم در والدین و هم در فرزندان آشکار می‌شود. لذا استدلال می‌شود که عدم روابط گرم و عاطفی در خانواده روی بزهکاری تأثیر دارد (فاطمی و همکاران، ۱۳۹۵، ص ۴۰). بی‌تردید جدایی والدین برای فرزندان رخدادی سنگین است و آسیب‌های روحی، روانی و اجتماعی بسیاری برای آنها به دنبال دارد. در خانواده‌ها نوجوانان بزهکار به خاطر ازهم‌گسیختگی خانوادگی، تخصیص نقش‌ها در خانواده به‌درستی صورت نمی‌گیرد، والدین دچار غفلت شده و کودکان را به حال خود رها کرده و نظارت والدین بر روی آنها کم می‌شود. نتایج تحقیقات نشان می‌دهد که طلاق والدین تأثیر منفی در شخصیت فرزندان دارد و در صورت عدم آموزش والدین در این زمینه مشکلات زیادی در خانواده به وجود می‌آید (احمدی و دلایی، ۱۴۰۲، ص ۱).

تحقیقات نشان می‌دهد که بین تربیت خانوادگی با بزهکاری و جرم نوجوانان رابطه دارد و سبک تربیتی سهل‌گیرانه بیشترین و شیوه مقتدران کمترین روانی را در میان نوجوان بزهکار دارد. همچنین تربیت خانوادگی و شیوه‌های تربیتی والدین تأثیر زیادی بر وقوع جرم و بزهکاری فرزندان داشته و در این بین سبک سهل‌گیران بیشترین احتمال گرایش نوجوان به سمت بزهکاری و سبک مقتدرانه کمترین زمینه‌گرایش به جرم را در میان کودکان فراهم می‌آورد (فضایی و همکاران، ۱۳۹۴، ص ۱)؛ لذا می‌توان گفت عوامل خانوادگی از جمله شغل پدر، تحصیلات والدین، در قید حیات بودن پدر، طلاق والدین، درگیری و اختلاف خانوادگی، رفتار نادرست والدین، شیوه فرزندپروری پدر بر بزهکاری کودکان و نوجوانان مؤثر می‌باشد. همچنین در عوامل اجتماعی - اقتصادی متغیرهای محل سکونت، نوع منزل مسکونی، دوست بزهکار، هم‌نشینی با دوستان بزهکار، سابقه محکومیت کیفری در خانواده، نظارت والدین و جامعه بر کودک، امر به معروف و نهی از منکر بر بزهکاری کودکان و نوجوانان مؤثر می‌باشد.

## ۲. تأثیر همسالان در پیشگیری از بزهکاری دانش‌آموزان

همسالان در دوران تحصیلی بیشترین تأثیر را بر رفتار نوجوانان دارند؛ زیرا نه تنها در مدرسه بیشترین زمان را با هم سپری می‌کنند، بلکه در زمان خارج از مدرسه نیز به صورت‌های مختلف حقیقی و مجازی با هم در ارتباط هستند. از این‌رو به تأثیر همسالان مثبت در پیشگیری از بزهکاری دانش‌آموزان می‌پردازیم.

## ۲-۱. تأثیر همسالان در شکل‌گیری رفتارهای اجتماعی

همسالان را می‌توان یک سازمان غیررسمی دانست که معمولاً از افراد هم‌سن و سال تشکیل شده است. همسالان به افرادی گفته می‌شود که در یک سطح رفتاری با یکدیگر تعامل دارند و یا در چند صفت مشترک همسان‌اند. احساس تعلق و وابستگی به دیگر انسان‌ها از اساسی‌ترین نیازهای فردی است که در زمینه‌های مختلفی از جمله روابط با همسالان بروز می‌کند و بر رشد روانی، جسمی و اجتماعی فرد تأثیر می‌گذارد. همسالان در دانش‌آموزان (کودکی و نوجوانی) نقش بسزایی در تحول افراد دارند<sup>۱</sup> (حاتمی و همکاران، ۱۴۰۳، ص ۱). روابط بین همسالان، به‌ویژه در دوران کودکی و نوجوانی، یکی از عوامل کلیدی در توسعه مهارت‌های اجتماعی و رفتارهای مشارکتی است. این روابط، بستری برای تقویت ارتباطات بین‌فردی، رشد همدلی و یادگیری از طریق مشاهده و تعامل فراهم می‌کند و از طرفی می‌تواند تأثیرات مثبت و منفی بر رفتار و نگرش‌های دانش‌آموزان داشته باشد (نیک پور و همکاران، ۱۴۰۳، ص ۱). واقعیت آن است که نوجوانان در تعامل با همسالان، هنجارها، ارزش‌ها و الگوهای رفتاری را می‌آموزند. این گروه‌ها به عنوان یک سیستم پاداش و تنبیه غیررسمی عمل می‌کنند؛ رفتارهای هماهنگ با گروه تقویت شده و رفتارهای ناهمسو طرد می‌شوند.

مطالعات نشان می‌دهد که حتی در غیاب خانواده، همسالان می‌توانند نقش کاتالیزور در تقویت رفتارهای مثبت یا منفی داشته باشند. برای مثال، عضویت در گروه‌های ورزشی یا علمی اغلب انگیزه‌های سالم را پرورش می‌دهد، در حالی که ارتباط با گروه‌های بزهکار ممکن است به عادی‌سازی رفتارهای پرخطر بینجامد. بنابراین، شناخت مکانیسم تأثیر همسالان، کلیدی برای طراحی برنامه‌های پیشگیرانه است (لیو و همکاران<sup>۲</sup>، ۲۰۱۸، ص ۱۰۸۵). رفتار همسالان به‌ویژه در دوران نوجوانی به این دلیل دارای اهمیت است که در این مرحله، نوجوانان با فاصله گرفتن از والدین و عضویت در گروه‌های اجتماعی خود، شروع به جستجو استقلال و کاوش هویت فردی خویش می‌کنند. برخورداری از مهارت‌های ارتباطی مؤثر با همسالان می‌تواند به شکل‌گیری ویژگی‌های شخصیتی مثبت و تقویت نگرش سازنده در کودکان بینجامد. این تعاملات، زمینه‌ساز رشد هیجانات خوش‌بینانه، توسعه شناخت اجتماعی و تقویت مهارت‌های بین‌فردی می‌گردد که همگی در تکامل اجتماعی شدن کودک مؤثرند (چن<sup>۳</sup>، ۲۰۲۴، ص ۲۲۱). بر این مبنا همسالان نقش مؤثری در آموزش مهارت‌هایی چون

۱. آنچه پیرامون همسالان به عنوان یک متغیر تأثیرگذار اهمیت دارد این است که همسالان در سلامت روان، رشد شخصی، رشد اجتماعی، رشد شناختی، دیدگاه‌گیری، هویت‌یابی، الگویابی جنسیتی، رشد عواطف و هیجانات، درمان اختلالات کودکی و نوجوانی، آموزش و یادگیری، نقش‌های مثبت ایفا می‌کنند، اما باید در نظر داشت در کنار این ادعا مثبت، همسالان در ابعاد منفی نیز می‌توانند تأثیر گذار باشند.

2. Liu et al

3. Chen

همکاری، حل مسئله و احترام به نظرات دیگران دارند. تعاملات مثبت با همسالان می‌تواند اعتماد به نفس دانش‌آموزان را افزایش داده و انگیزه تحصیلی آن‌ها را تقویت کند. در مقابل، تأثیرات منفی نیز از جمله فشارهای همسالان برای پیروی از رفتارهای نادرست، مانند زورگویی یا طرد دیگران، می‌تواند مانع رشد اجتماعی و کاهش اعتماد به نفس شود. عوامل مختلفی مانند سن، جنسیت، سبک تربیتی والدین و محیط مدرسه بر میزان تأثیرپذیری دانش‌آموزان از همسالان اثرگذارند (نیک پور و همکاران، ۱۴۰۳، ص ۱). شواهد پژوهشی نشان می‌دهند که دانش‌آموزان مطرود و فاقد ارتباط سالم، پرخاشگرتند و رفتارهای نامناسب دارند، پیشرفت تحصیلی و انگیزش آنها اندک است و از اختلالات هیجانی، اضطراب و افسردگی بیشتر رنج می‌برند. در این پژوهش بررسی نقش و اهمیت گروه همسالان در تحول خود و رشد شخصیت اجتماعی و فرد دانش‌آموزان پرداخته می‌شود (حاتمی و همکاران، ۱۴۰۳، ص ۱).

بر این مبنا می‌توان گفت گروه همسالان به عنوان یک شبکه اجتماعی غیررسمی، نقش تعیین‌کننده‌ای در رشد فردی و اجتماعی نوجوانان ایفا می‌کند. این گروه‌ها که متشکل از افراد هم‌سن با ویژگی‌های مشترک هستند، بستری برای یادگیری هنجارها، ارزش‌ها و الگوهای رفتاری فراهم می‌کنند. نیاز طبیعی نوجوان به تعلق خاطر و پذیرش در گروه، موجب می‌شود رفتارهای همسو با جمع تقویت شده و رفتارهای متفاوت به تدریج حذف شوند. تعامل با همسالان در دوران نوجوانی که مرحله جستجوی استقلال و شکل‌گیری هویت است، می‌تواند هم فرصت و هم تهدید باشد. از یک سو، حضور در گروه‌های سازنده مانند تیم‌های ورزشی یا انجمن‌های علمی، انگیزه پیشرفت و مهارت‌های اجتماعی را تقویت می‌کند. از سوی دیگر، معاشرت با گروه‌های منحرف ممکن است به عادی‌سازی رفتارهای پرخطر بیانجامد.

## ۲-۲. نقش همسالان مثبت در پیشگیری از بزهکاری

نقش و اهمیت گروه‌های همسالان در وضعیت روحی و روانی نوجوانان بر هیچ‌کس پوشیده نیست، دوستی در گروه همسالان و نقش و تأثیر آن بر وضعیت تحصیلی عاملی است که به لحاظ وضعیت روحی و روانی نقش تأثیرگذاری بر یادگیری کودکان و نوجوانان دارد. عضویت در گروه دوستی همسالان همان‌گونه که می‌تواند تأثیرات مثبتی در وضعیت تحصیلی به‌جا گذارد همان‌گونه نیز می‌تواند تأثیرات منفی و مشکلات عدیده‌ای را برای جوان ایجاد کند (بیرانوند و همکاران، ۱۴۰۳، ص ۱). همسالان مثبت می‌توانند نقش تعیین‌کننده‌ای در پیشگیری از بزهکاری داشته باشند، چراکه نوجوانان و جوانان اغلب تحت تأثیر ارزش‌ها، نگرش‌ها و رفتارهای دوستان و همسالان خود قرار می‌گیرند. زمانی که فرد در گروهی قرار می‌گیرد که اعضای آن به هنجارهای اجتماعی پایبندند و رفتارهای مسئولانه دارند، احتمال گرایش او به رفتارهای پرخطر کاهش می‌یابد.

نظریه یادگیری اجتماعی ایگز، یادگیری را در ارتباط با پیامدهای رفتار می‌داند. از دیدگاه این نظریه رفتار بزهکارانه نیز، مانند همه رفتارها، نتیجه محرک‌ها یا واکنش‌های دیگران نسبت به آن رفتار است. بر مبنای بسط این نظر، افراد رفتار اجتماعی را از طریق شرطی شدن یا الگوگیری مستقیم از رفتار دیگران یاد می‌گیرند (علی‌وردی‌نیا و ستاره، ۱۳۹۲، ص ۸۵). تمایل به موفقیت تحصیلی از جمله تأثیرات مفید با همسالان مثبت است. زمانی که یک نوجوان با همکلاسی مثبت خود که در یادگیری فردی موفق است می‌تواند در گرایش مثبت نوجوان مؤثر باشد و موجبات موفقیت تحصیلی او را فراهم کند و از این‌رو گرایش به بزهکاری کاهش می‌یابد؛ زیرا تمرکز بر یادگیری و اهداف موفقیت تحصیلی می‌باشد.

لذا همکاری آکادمیک که از طریق تعاملات مثبت با همسالان تقویت می‌شود، نقشی حیاتی در افزایش موفقیت کلی تحصیلی ایفا می‌کند. تشویق روابط مثبت با همسالان بین دانش‌آموزان برای ارتقای تجربه آموزشی بسیار مهم است. مرییان و سیاست‌گذاران باید بر اجرای راهبردهایی تمرکز کنند که شامل، همکاری و یادگیری اجتماعی - عاطفی را در کلاس‌های درس ترویج می‌کند. این تلاش‌ها می‌تواند منجر به بهبود نتایج تحصیلی، افزایش رفاه دانش‌آموز و محیط یادگیری هماهنگ شود (زرخانی و همکاران، ۱۴۰۳، ص ۱). از جمله موارد دیگری که همسالان مثبت می‌توانند بر آن تأثیر بگذارند اثر مستقیم و غیرمستقیم بر قلدری است که در میان نوجوانان ممکن است رایج شود.

فشار همسالان افزون بر اثر مستقیم مثبت و معنادار بر قلدری، دارای اثر غیرمستقیم مثبت و معنادار با واسطه هم‌نوایی با همسالان بر قلدری است. مقاومت در برابر تأثیر همسالان نیز افزون بر اثر مستقیم منفی و معنادار بر قلدری، دارای اثر غیرمستقیم مثبت و معنادار بر قلدری است. با توجه به نتایج به‌دست‌آمده هماهنگ‌سازی و مدیریت متغیرهای بافتی درگیر در رفتارهای قلدرانه (مانند خانواده، مدرسه و گروه همسالان) می‌تواند در درک و کاهش رفتارهای قلدرانه دانش‌آموزان و متعاقباً کاهش بی‌نظمی‌ها و بدرفتاری‌ها در مدارس بسیار مؤثر باشد (حبیبی و صیادی، ۱۴۰۰، ص ۹۳). در نتیجه، تقویت ارتباطات مثبت بین همسالان و ایجاد فضایی که در آن رفتارهای مسئولانه تشویق شود، می‌تواند به عنوان یک راهکار مؤثر در پیشگیری از انحرافات اجتماعی مورد توجه قرار گیرد. همسالان مثبت با ایجاد فضایی امن و حمایتی، می‌توانند به کاهش عوامل خطر ساز بزهکاری مانند انزوا، طردشدگی و کمبود مهارت‌های اجتماعی کمک کنند. وقتی نوجوانان در جمع دوستانی قرار می‌گیرند که به تحصیل، اخلاق و رفتارهای قانونمند پایبندند، احتمال تقلید از الگوهای ناسالم کاهش می‌یابد. این گروه‌ها نه تنها با ارائه بازخوردهای سازنده مانع از تثبیت رفتارهای انحرافی می‌شوند، بلکه با تقویت عزت‌نفس و حس مسئولیت‌پذیری، فرد را به سمت انتخاب‌های درست هدایت

می‌کنند. در واقع، همسالان نقش کلیدی در شکل‌دهی هویت اجتماعی و فردی دارند و حضور آنها در شبکه روابط سالم می‌تواند مسیر زندگی را از انحراف به سمت رشد مثبت تغییر دهد؛ بنابراین، سرمایه‌گذاری بر برنامه‌های گروهی و تشویق دوستی‌های سازنده، راهکاری اساسی در سیاست‌های پیشگیری از بزهکاری است.

### ۳. نقش مدرسه در پیشگیری از بزهکاری دانش‌آموزان

مدرسه به عنوان مکانی که بر تربیت نوجوانان تأثیرگذار است یکی از عوامل پیشگیری از بزهکاری محسوب می‌شود. با آنکه مدارس بیشتر نقش آموزشی و علمی برای خود قائل هستند، اما در دنیای امروز تأثیرات تربیتی و روانی مدرسه بر نوجوان اثبات شده است.

به عبارت دیگر فلسفه تعلیم و تربیت در عصر ما با سال‌های گذشته بسیار تفاوت دارد. به این معنی هدف آموزش و پرورش تنها تعلیم دروس و دیگر مطالب فکری نیست، بلکه پرورش جسم و روان به‌طورکلی مورد نظر است. البته نمی‌توان مسئولیت حفظ بهداشت روانی کودکان را فقط به عهده معلم گذارد؛ زیرا در این کار مدرسه و مدیران و والدین نقش مهمی را نیز به عهده دارند. روی هم رفته هر کس به نحوی با کودکی یا نوجوانی سروکار دارد و می‌خواهد برای آنها مفید بوده و رفتار صحیح داشته باشد باید به این علم توجه کند (شریف نژاد و همکاران، ۱۳۹۴، ص ۱۷۱). از نظر و دیدگاه جامعه‌شناسان، خانواده، اولین و مهم‌ترین عامل جامعه‌پذیری فرد محسوب می‌شود و مدرسه دومین نهادی است که این مهم را بر عهده می‌گیرد. البته طبق این دیدگاه مفهوم تربیت اجتماعی از قلمرو نهادهای رسمی مثل خانواده و مدرسه فراتر می‌رود و مطبوعات، رادیو و تلویزیون و تجارب شخصی را نیز شامل می‌شود. طبق بررسی‌های انجام شده از طرف حوزه جامعه‌شناسی، برای این‌که تعلیم و تربیت از چارچوب محدود مدرسه خارج شود و کارکرد اجتماعی آن در پهنه توسعه اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جامعه روشن شود، باید تربیت اجتماعی سرلوحه روش‌های آموزش و پرورش قرار گیرد. در همین رابطه دانش‌آموزان باید با محیط خودسازگار شوند و چنین تحولی مستلزم اتخاذ روش‌های تربیتی و تغییر در محتویات برنامه‌های آموزش و پرورش است (اکبرزاده و همکاران، ۱۴۰۱، ص ۱). مدرسه و معلمان با ایجاد محیطی حمایتی، ارائه الگوهای رفتاری مثبت و آموزش مهارت‌های اجتماعی، نقش کلیدی در توسعه روانی و اجتماعی دانش‌آموزان دارند. معلمان با تقویت مهارت‌های ارتباطی، مدیریت مؤثر کلاس و طراحی برنامه‌های آموزشی مناسب، به رشد همه‌جانبه دانش‌آموزان کمک می‌کنند. در عین حال، همکاری بین مدرسه و خانواده به عنوان یک عامل مهم در موفقیت‌های تحصیلی و رشد اجتماعی دانش‌آموزان شناخته می‌شود (متین، ۱۴۰۳، ص ۶۷۰۲). معلمان و مربیان آگاه می‌توانند با شناسایی به‌موقع دانش‌آموزان در معرض خطر و ارائه حمایت‌های روانی-اجتماعی، مانع از

گرایش آنان به رفتارهای پرخطر شوند. همچنین، برنامه‌های آموزشی که بر رشد مهارت‌های تصمیم‌گیری، حل مسئله و کنترل هیجانات تمرکز دارند، ابزاری مؤثر در پیشگیری از انحرافات اخلاقی و اجتماعی هستند. مدارس که به‌جای رویکرد تنبیه‌محور، از روش‌های تشویقی و اصلاحی استفاده می‌کنند، بهتر می‌توانند دانش‌آموزان را به سمت رفتارهای مسئولانه سوق دهند. در نهایت، همکاری مدرسه با خانواده و نهادهای اجتماعی می‌تواند شبکه‌ای حمایتی ایجاد کند که به‌جای طرد نوجوانان در معرض خطر، آن‌ها را در مسیر درست هدایت نماید. با این حال وجود اختلالات در نوجوانان مانند افسردگی به دلایل مختلف می‌تواند موجب گرایش به بزهکاری گردد. در این خصوص نقش معلمان مدرسه می‌تواند بسیار کارآمد باشد.

علائم افسردگی در کودکان می‌تواند ظریف و متنوع باشد و تشخیص در نوجوانان اغلب با تظاهرات رفتاری مرتبط با تغییرات هورمونی پیچیده است. هم علت و هم درمان افسردگی کودکان و نوجوانان بحث‌برانگیز است. با این حال، پیشرفت‌های اخیر در دارودرمانی امیدوارکننده به نظر می‌رسد. پیشگیری اولیه ممکن است همیشه کارآمد نباشد، اما شواهد نشان می‌دهد که پیشگیری ثانویه می‌تواند مشکلات روانی اجتماعی آینده را به میزان قابل توجهی کاهش دهد (ترابی، ۱۴۰۲، ص ۱۰۹۶). اختلالات یادگیری می‌تواند اثرات منفی بسیاری بر عملکرد تحصیلی و روانی دانش‌آموزان داشته باشد. همچنین، مدرسه با ارائه محیطی حمایت‌کننده و محافظ برای دانش‌آموزان با اختلالات یادگیری می‌تواند نقش مهمی در تشخیص، مدیریت و بهبود این اختلالات ایفا کند. از تشخیص زودرس تا ارائه راهکارهای آموزشی و پشتیبانی، مدرسه می‌تواند به کودکان با اختلالات یادگیری کمک کند تا بهترین نتیجه را در مسیر تحصیلی‌شان بیابند (ملکان و ملکان، ۱۴۰۲، ص ۳۲۴۹). بر این مبنا می‌توان گفت که مدرسه به عنوان یکی از نهادهای اصلی تربیتی، نقش حیاتی در پیشگیری از بزهکاری نوجوانان دارد. امروزه کارکرد مدرسه فراتر از آموزش علمی است و بر پرورش روانی، اجتماعی و اخلاقی دانش‌آموزان تأکید می‌کند. با ایجاد فضایی امن، ارائه مهارت‌های زندگی و تقویت رفتارهای مسئولانه، مدرسه می‌تواند از گرایش نوجوانان به رفتارهای پرخطر جلوگیری کند. معلمان با شناسایی به‌موقع دانش‌آموزان در معرض خطر و ارائه حمایت‌های روانی-اجتماعی، نقش کلیدی در این فرآیند ایفا می‌کنند. همچنین، هماهنگی بین مدرسه، خانواده و نهادهای اجتماعی شبکه‌ای حمایتی ایجاد می‌کند که هدایت نوجوانان به سمت رفتارهای سالم را تسهیل می‌نماید. علاوه بر این، مدارس با تشخیص و مدیریت اختلالات روانی و یادگیری، می‌توانند از تشدید مشکلاتی مانند افسردگی یا افت تحصیلی که ممکن است به بزهکاری منجر شود، جلوگیری کنند. درنتیجه، مدرسه با رویکردی جامع و تربیتی می‌تواند به عاملی مؤثر در کاهش انحرافات اجتماعی نوجوانان تبدیل شود.



## ۴. نقش رسانه و شبکه‌های اجتماعی در پیشگیری از بزهکاری دانش‌آموزان

امروزه رسانه و شبکه‌های اجتماعی به عنوان دو عامل تربیتی نقش مهمی در پیشگیری از بزهکاری نوجوانان دارند. رسانه مانند صدا و سیما و پلتفرم‌های نمایش خانگی با تولید محتوای اخلاقی می‌توانند در شکل‌گیری رفتار سالم و اجتماعی شدن نوجوانان نقش مهمی ایفا نمایند. همین‌طور شبکه‌های اجتماعی که هر روز در حال افزایش و تنوع در فرم‌ها و اشکال مختلف هستند نیز تأثیرات مهمی بر افکار جامعه خصوصاً نوجوانان دارند. این امر پس از کرونا که دسترسی نوجوانان به شبکه‌های اجتماعی افزایش یافت بیشتر حائز اهمیت است.

### ۴-۱. نقش رسانه در پیشگیری از بزهکاری

در جهان امروز وقتی صحبت از پیشگیری (هر حوزه‌ای) به میان می‌آید، اولین چیزی که ذهن‌ها را درگیر می‌کند رسانه است. رسانه‌ها منابع عمده آفرینش و پویایی فرهنگ به‌شمار می‌روند. قدرت و توان این ابزارهای فکری از پایه‌های آن‌چنان بلند برخوردار است که بدون حضور آن، دسترسی به جامعه‌ای با فرهنگ پویا، دست‌نیافتنی و محال است. رسانه‌ها سپهر اطلاعاتی هر جامعه به‌شمار می‌روند و کارکردهای مختلف اعم از آشکار و پنهان در حوزه‌های آموزش، اطلاع‌رسانی و آگاه‌سازی، تفریح و سرگرمی دارند. به غیر از موارد یاد شده رسانه‌ها در تولید جرم و فضای منبعث از آن و هم در پیشگیری از جرم نقش می‌آفرینند به‌گونه‌ای که نقش و کارکرد آن مورد توجه همگان قرار گرفته است (بیابانی، ۱۳۹۲، ص ۳۳).

رسانه‌ها مرکز اطلاعاتی هر جامعه به‌شمار می‌روند و کارکردهای مختلف اعم از آشکار و پنهان در حوزه‌های آموزش، اطلاع‌رسانی و آگاه‌سازی، تفریح و سرگرمی دارند. به غیر از موارد یاد شده رسانه‌ها در تولید جرم و فضای منبعث از آن و هم در پیشگیری از جرم نقش می‌آفرینند به‌گونه‌ای که نقش و کارکرد آن مورد توجه همگان قرار گرفته است، زیرا دانش عمومی از جرم و جنایت و عدالت تا حد زیادی از رسانه‌ها با رواج دیدگاه رسانه‌سالاری که از قدرت بالای رسانه‌ها در القاء و تأثیرگذاری بر روی مخاطبان به‌عمل می‌آورد و برای مخاطبان در قبال پیام‌های رسانه‌های عمومی نقش انفعالی و تأثیرپذیر قائل هستند به‌دست می‌آید (زندى‌راد و بهمه‌ای، ۱۴۰۲، ص ۲۰۷).

رسانه، به‌ویژه صدا و سیما، با توجه به گستردگی مخاطبان و تأثیرگذاری عمیق فرهنگی، تنها یک منبع اطلاع‌رسانی نیست، بلکه نقشی تربیتی و هدایتگر نیز ایفا می‌کند. این نهاد می‌تواند با تولید محتوای هدفمند، آموزش مهارت‌های زندگی، تقویت ارزش‌های اخلاقی و ارائه الگوهای رفتاری سالم، به پیشگیری از انحرافات اجتماعی در نوجوانان کمک کند. برنامه‌هایی که با نمایش پیامدهای منفی بزهکاری، تقویت تاب‌آوری روانی و ترویج مسئولیت‌پذیری همراه باشند، می‌توانند به شکل غیرمستقیم، نوجوانان را از ورود به چرخه

جرم و آسیب‌های اجتماعی دور نگه دارند. در این میان، رسانه‌های رسمی با تکیه بر مسئولیت اجتماعی خود، این توانایی را دارند که به‌جای تحریک حس کنجکاو مخرب، به عاملی برای آگاهی‌بخشی و تغییر نگرش تبدیل شوند. موضوع مهم دیگری که رسانه در آن نقش مهمی دارد، ترویج سبک زندگی سالم است که در تربیت نوجوانان و پیشگیری از بزهکاری آنان نقش دارد.

از آنجا که فرهنگ‌ها از طریق رسانه‌های جمعی جریان می‌یابند، اشکال متفاوت زندگی سالم نیز توسعه می‌یابند. رسانه‌ها بر شیوه زندگی سالم در سطح جامعه تأثیر می‌گذارند. رسانه‌های جمعی علاوه بر حضور گسترده در زندگی افراد، به عنوان منبع اصلی اطلاعات مربوط به سلامتی، اثرات مهمی بر سلامت عمومی جامعه دارند و بی‌تردید، در سرتاسر جهان، نقش بسیار مهمی در ارتقای سبک زندگی سالم ایفا می‌کنند و منبع مهمی برای ارتقای سبک زندگی سالم به‌شمار می‌روند و در ارائه مؤلفه‌های مختلف سبک زندگی، نقش برجسته‌ای دارند (تقئی و همکاران، ۱۴۰۳، ص ۱).

#### ۲-۴. نقش شبکه‌های اجتماعی در پیشگیری

شبکه‌های اجتماعی با گستردگی و نفوذ بی‌سابقه در زندگی نوجوانان، می‌توانند به ابزاری دوگانه تبدیل شوند، هم تهدید و هم فرصت. از یک‌سو، محتوای نامناسب و الگوهای رفتاری مخرب ممکن است جوانان را به سمت رفتارهای پرخطر سوق دهد، اما از سوی دیگر، اینفلوئنسرهای مسئولیت‌پذیر و صفحات آموزشی می‌توانند نقش مؤثری در ترویج سبک زندگی سالم و پیشگیری از بزهکاری ایفا کنند.

وقتی صحبت از شبکه اجتماعی می‌شود باید به اجتماعی از مطالعه همان جامعه کاربری اشاره کرد. در حقیقت یک شبکه اجتماعی سایت یا مجموعه صفحات - در پلتفرم‌های مختلف - است که به کاربرانی که دوست دارند علاقه‌مندی‌ها، افکار و فعالیت‌های خودشان را با دیگر به اشتراک بگذارند و بالعکس (فرامرزیانی، ۱۴۰۳، ص ۱۱۶)، در این میان نقش اینفلوئنسرها هم دارای اهمیت می‌باشد. اینفلوئنسرهایی که با تولید محتوای مثبت از تشویق به ورزش و تغذیه سالم تا آموزش مهارت‌های ارتباطی و مدیریت هیجانات الگوسازی می‌کنند، می‌توانند جایگزینی جذاب برای الگوهای مخرب باشند. شبکه‌های اجتماعی همچنین با امکان دسترسی آسان به مشاوران روان‌شناسی، کمپین‌های آگاهی‌بخش و حتی گروه‌های حمایتی، فضایی امن برای نوجوانان ایجاد می‌کنند تا به‌جای پناه بردن به رفتارهای انحرافی، راهکارهای سالم حل مسئله را بیاموزند. در حقیقت کلید موفقیت در این زمینه، همراهی پلتفرم‌ها با سیاست‌گذاری‌های هوشمندانه، مانند حذف محتوای مضر و تقویت محتوای آموزشی و همچنین مسئولیت‌پذیری سازندگان محتواست. اگر این ظرفیت به‌درستی مدیریت

شود، شبکه‌های اجتماعی نه تنها عامل تهدید، بلکه ابزاری قدرتمند در ساختن نسلی آگاه و سالم خواهند بود.

## بحث و نتیجه‌گیری

بزهکاری دانش‌آموزان نوجوان به عنوان یک چالش جهانی، پیامدهای گسترده‌ای بر سلامت روان، رفتار و کیفیت زندگی افراد دارد. تحقیقات نشان می‌دهد پیشگیری غیرکیفری، به‌ویژه پیشگیری اجتماعی، با تمرکز بر عوامل تربیتی مانند خانواده، همسالان، مدرسه و رسانه، تأثیر بیشتری در کاهش بزهکاری دارد.

خانواده به عنوان نخستین نهاد اجتماعی، نقش محوری در شکل‌گیری رفتارهای نوجوانان ایفا می‌کند. روابط صمیمانه، نظارت حمایت‌گرانه، تأمین نیازهای عاطفی و اقتصادی و سبک فرزندپروری مقتدرانه از عوامل کلیدی در پیشگیری از بزهکاری هستند. در مقابل، اختلافات خانوادگی، طلاق، غفلت والدین و شیوه‌های تربیتی سهل‌گیرانه یا مستبدانه، خطر گرایش به رفتارهای پرخطر را افزایش می‌دهند. گروه‌های همسالان به عنوان یک شبکه اجتماعی غیررسمی، در شکل‌دهی هویت و رفتار نوجوانان مؤثر است. تعامل با همسالان مثبت و مشارکت در فعالیت‌های سازنده مانند ورزش یا تحصیل، انگیزه پیشرفت و مهارت‌های اجتماعی را تقویت می‌کند. در مقابل، معاشرت با گروه‌های منحرف می‌تواند به عادی‌سازی رفتارهای بزهکارانه بینجامد. برنامه‌های پیشگیرانه باید بر تقویت روابط سالم بین نوجوانان و مقاومت در برابر فشار منفی همسالان تمرکز کنند. همچنین مدرسه با فراتر رفتن از کارکرد آموزشی، محیطی کلیدی برای پرورش روانی و اجتماعی نوجوانان است. معلمان با شناسایی زودهنگام دانش‌آموزان در معرض خطر، ارائه مهارت‌های زندگی و ایجاد فضایی حمایتی، می‌توانند از گرایش به بزهکاری جلوگیری کنند. همکاری مدارس با خانواده‌ها و نهادهای اجتماعی نیز شبکه‌ای مؤثر برای هدایت نوجوانان به سمت رفتارهای مسئولانه ایجاد می‌کند. رسانه‌های رسمی با تولید محتوای آموزشی و ترویج سبک زندگی سالم، نقش پیشگیرانه ایفا می‌کنند. شبکه‌های اجتماعی نیز با وجود خطرات محتوای نامناسب، در صورت مدیریت هوشمندانه می‌توانند از طریق الگوهای مثبت، کمپین‌های آگاهی‌بخش و دسترسی به مشاوره، به ابزاری مؤثر در کاهش بزهکاری تبدیل شوند. در نتیجه پیشگیری از بزهکاری نوجوانان نیازمند رویکردی یکپارچه است که عوامل تربیتی خانواده، همسالان، مدرسه و رسانه را دربرمی‌گیرد. تقویت روابط حمایتی، آموزش مهارت‌های زندگی و ارائه الگوهای رفتاری سالم از راهکارهای کلیدی برای کاهش انحرافات اجتماعی و هدایت نوجوانان به سمت رشد مثبت است.

## منابع

- احمدی، عاطفه، و دلایی میلان، فاطمه. (۱۴۰۲). بررسی طلاق والدین و تأثیر آن بر بزهکاری فرزندان. نهمین همایش علمی پژوهشی توسعه و ترویج علوم تربیتی و روانشناسی ایران، تهران. <https://civilica.com/doc/1839269/>
- اکبرزاده، ثریا، اسداله‌زاده، رقیه، بهبودی، سمیرا، نجفی، سعیده، و باقرزاده، رقیه. (۱۴۰۱). نقش مدرسه در تربیت اجتماعی کودکان و نوجوانان. هفتمین همایش بین‌المللی روانشناسی، علوم تربیتی و حقوق کودک در جهان اسلام، تهران. <https://civilica.com/doc/1674700/>
- بیابانی، غلامحسین. (۱۳۹۲). نقش رسانه در پیشگیری از جرم. رسانه، ۲۴(۹۲)، ۳۳-۴۲. [https://qjmn.farhang.gov.ir/article\\_53313.html](https://qjmn.farhang.gov.ir/article_53313.html)
- بیرانوند، اسفندیار. (۱۴۰۳). تأثیر روابط بین همسالان و انگیزش یادگیری بررسی رابطه بین ارتباطات مثبت و منفی با همسالان و انگیزه در یادگیری. سومین کنفرانس ملی تازه‌های روانشناسی تکاملی و تربیتی، بندرعباس. <https://civilica.com/doc/2126117/>
- ترابی، محمد. (۱۴۰۲). بررسی و حل اختلال افسردگی در کودکان و نوجوانان. نهمین همایش ملی تحقیقات میان‌رشته‌ای در مدیریت و علوم انسانی. <https://civilica.com/doc/2044083/>
- تقی، فرزانه، جمالی، لاله، مرادی، محبوبه، و شیروانی، روح‌انگیز. (۱۴۰۳). بررسی تأثیر رسانه‌های اجتماعی بر سبک زندگی سالم. چهاردهمین کنفرانس بین‌المللی روانشناسی، علوم تربیتی و سبک زندگی. <https://civilica.com/doc/2104615/>
- حاتمی، معصومه، و خرمی، کبری. (۱۴۰۳). بررسی نقش و اهمیت گروه همسالان در تحول خود و رشد شخصیت اجتماعی و فردی دانش آموزان. ششمین همایش ملی پژوهش‌های حرفه‌ای در روانشناسی و مشاوره با رویکرد از نگاه معلم، میناب. <https://civilica.com/doc/2082376/>
- حبیبی کلپیر، رامین، و صیادی، صادق. (۱۴۰۰). تأثیر انسجام خانوادگی و گروه همسالان با رفتارهای قلدرانه دانش آموزان. مطالعات جنسیت و خانواده، ۹(۱۶)، ۹۳-۱۱۳.
- زرخانی، امیر، نعیمی، یاشار، بهمنی‌نیا، حمیدرضا. (۱۴۰۳). تشویق روابط مثبت با همسالان در کلاس درس. اولین کنفرانس بین‌المللی روانشناسی، علوم تربیتی، مدیریت و علوم اجتماعی، تبریز. <https://civilica.com/doc/2054525/>
- زندی‌راد، علی، و بهمه‌ای، عبدالواحد. (۱۴۰۲). نقش رسانه در پیشگیری از جرم. تمدن حقوقی، ۱۶(۱)، ۲۰۷-۲۲۴. [https://www.pzhfars.ir/article\\_176687.html](https://www.pzhfars.ir/article_176687.html)
- شریف‌نژاد، عبدالمهدی، یوسفیان شوره دلی، بهنام، و باقی‌زاده، محمدجواد. (۱۳۹۴). نقش مدارس در پیشگیری و مدیریت بزهکاری اطفال. فصلنامه علمی پژوهشنامه تربیتی، ۱۷(۷۲)، ۱۵۷-۱۹۴. [https://journals.iau.ir/article\\_693454.html](https://journals.iau.ir/article_693454.html)

- صلاحی، جاوید. (۱۳۵۶). اقتصاد خانواده و نقش آن در بزهکاری اطفال و نوجوانان. مکتب مام، (۸۹)، ۴۳-۳۸.

<https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/294630/>

- عبدالهی، سامان. (۱۴۰۳). نقش عوامل اجتماعی در جامعه‌پذیری دانش‌آموزان در معرض خطر. پژوهش‌های جرم‌شناسی کاربردی، ۲(۳)، ۲۹-۵۲.

[https://qacr.ir/article\\_717883.html](https://qacr.ir/article_717883.html)

- علیوردی‌نیا، اکبر، و ستاره، سیمین. (۱۳۹۵). بررسی نقش خانواده، مدرسه و گروه همسالان در بزهکاری دانش‌آموزان. جامعه پژوهی فرهنگی، ۴(۴)، ۷۹-۱۰۳.

<https://www.sid.ir/paper/241224/fa>

- فاطمی، داوود، رحیمی، عارف، سعادت، موسی، و عباس‌زاده، محمد. (۱۳۹۵). بررسی نقش خانواده در بزهکاری فرزندان (مورد مطالعه: نوجوانان پسر شهر زنجان). پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی، ۵(۳)، ۳۵-۵۰.

<https://www.sid.ir/paper/522283/fa>

- فرامرزیانی، سعید. (۱۴۰۳). مطالعه نقش دوگانه شبکه‌های اجتماعی در بزهکاری (مطالعه موردی شهر ارومیه). فصلنامه مطالعات و پژوهش‌های امنیت داخلی، ۲(۳)، ۱۰۹-۱۳۱.

[https://issrq.sndu.ac.ir/article\\_3334.html](https://issrq.sndu.ac.ir/article_3334.html)

- فضایی، قاسم، فرشته مقدم، مرتضی، و یعقوبی، غلامحسین. (۱۳۹۴). بررسی تأثیر تربیت خانوادگی در وقوع جرم و بزهکاری و تعیین سبک تربیتی غالب در میان نوجوانان بزهکار. اولین کنفرانس بین‌المللی روانشناسی و علوم تربیتی، شیراز.

<https://civilica.com/doc/460402/>

- کلوندی، مصیب. (۱۴۰۲). بررسی نقش خانواده در پیشگیری از بزهکاری. پنجمین همایش ملی پژوهش‌های حرفه‌ای در روانشناسی و مشاوره با رویکرد از نگاه معلم.

<https://civilica.com/doc/1761404/>

- متین، معصومه. (۱۴۰۳). نقش مدرسه و معلمان در تربیت روانی و اجتماعی دانش‌آموزان. اولین همایش ملی علوم انسانی با رویکرد نوین.

<https://civilica.com/doc/2049391/>

- ملکان، نرجس، و ملکان، سارا. (۱۴۰۲). نقش خانواده و مدرسه در مدیریت اختلالات یادگیری. پانزدهمین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های مدیریت و علوم انسانی در ایران.

<https://civilica.com/doc/2013720/>

- مهدوی، محمود، و اختری، نیکزاد. (۱۳۹۱). خانواده، کنترل اجتماعی و پیشگیری از بزهکاری اطفال و نوجوانان. مطالعات پیشگیری از جرم، ۷(۲۵)، ۹۵-۱۱۴.

<https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/986771/>

- نیک‌پور، علی، حسین‌آبادی، کاوه، پورمحب حسینی، سید مهدی، و حبیب‌پور، علی‌اصغر. (۱۴۰۳). تأثیر همسالان بر رشد مهارت‌های اجتماعی و رفتارهای مشارکتی در دانش‌آموزان. اولین همایش بین‌المللی ایده‌های تحول‌آفرین در زمینه مطالعات فرهنگی و آموزشی در آموزش و پرورش با تأکید بر اقدام پژوهی، درس پژوهی و روایت پژوهی در هزاره سوم.

<https://civilica.com/doc/2121459/>

- Ayano, G., Rooney, R., Pollard, C. M., Dantas, J. A., Lobo, R., Jeemi, Z., ... & Alati, R. (2024). Risk and protective factors of youth crime: An umbrella review of systematic reviews and meta-analyses. *Clinical Psychology Review*, 113, 102479.  
<https://www.sciencedirect.com/science/article/pii/S0272735824001004>
- Chen, C. (2024). The Influence of Peer Relationships on Children's Social Development. *Lecture notes in Education Psychology and Public Media*, 45, 221-225.  
<https://www.ewadirect.com/proceedings/lnep/article/view/11629>
- Liu, J., Zhao, S., Chen, X., Falk, E., & Albarracín, D. (2017). The influence of peer behavior as a function of social and cultural closeness: A meta-analysis of normative influence on adolescent smoking initiation and continuation. *Psychological bulletin*, 143(10), 1082.  
<https://psycnet.apa.org/record/2017-33545-001>
- Mwangangi, R. K. (2019). The role of family in dealing with juvenile delinquency. *Open Journal of Social Sciences*, 7(03), 52.  
[https://www.scirp.org/html/4-1762355\\_90991.htm](https://www.scirp.org/html/4-1762355_90991.htm)
- Nevisi, H. M. (2022). The role of the family in preventing youth crimes. *Mathews J Foren*, 3(1), 9-11.  
<https://www.mathewsopenaccess.com/scholarly-articles/the-role-of-the-family-in-preventing-youth-crimes.pdf>
- Young, S., Greer, B., & Church, R. (2017). Juvenile delinquency, welfare, justice and therapeutic interventions: a global perspective. *BJPsych bulletin*, 41(1), 21-29.  
<https://doi.org/10.1192/pb.bp.115.052274>